

الزامات و بایسته های سیاست گذاری جمعیت در ایران

لازمه وصول و حصول ابعاد جامعی از یک سیاست گذاری ملی، استفاده روش مند از اندیشه اندیشمندان در حوزه های مرتبط به موضوع و بررسی هایی دقیق و عمیق بر اساس تعریف صحیح از صورت مسأله و بینش اصولی نسبت به فرایند حل مسأله است؛ بر اساس همین رویکرد، در میزگرد «الزامات و بایسته های سیاست گذاری جمعیت در ایران» از مجموعه ای از استادان با تخصص های مختلف و از مراکز علمی متعدد، دعوت شد؛ میهمانان این میزگرد عبارت بودند از:

آقای دکتر پرویز داوودی، اقتصاددان و ریاست مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری

آقای دکتر محمد جواد محمودی، جمعیت شناس و ریاست مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعدی، استاد فقه و سیاست گذاری در اسلام، و ریاست گروه فقه دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

آقای دکتر ابراهیم فیاض، مردم شناس و جامعه شناس و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
حجت الاسلام و المسلمین دکتر مصباحی مقدم، اقتصاددان و نماینده محترم مردم تهران
در مجلس شورای اسلامی

میزگرد با معارفه اولیه استادان، تبیین ترکیب آنها از سوی دبیر جلسه و خیرمقدم آقای دکتر داوودی در تاریخ بیست و هفتم مردادماه سال ۱۳۸۹، در محل مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری، تشکیل و علاوه بر طرح مباحث متنوع، به نتایج و دستاوردهای سیاست گذاران ای رسید که تفصیل آنرا در صفحات آتی، ملاحظه می کنید. اما از باب امکان استفاده بیشتر و نظم در تدوین مباحث، تلاش شده تا عصاره مطالب مطرح شده توسط هر یک از استادان، نکات قابل تأمل و نیز جمع بندی های جلسه، به صورتی واضح تر در اختیار شما قرار گیرند. امید که این میزگرد بتواند در طرح صحیح صورت مسائل مربوط به جمعیت و مسیر سیاست گذاری برای صاحب نظران، گامی رو به جلو محسوب شود.

شرح مباحث:

آقای دکتر داوودی:

با تشکر از حضور استادان، همانگونه که مستحضرید، مسأله جمعیت یک مسأله بنیادین در امر سیاست گذاری و آینده نگری است که همواره مورد توجه و دغدغه دولت بوده است و وقتی که به من گفتند که موضوع این شماره فصلنامه برداشت دوم، مسأله جمعیت است، خودم اهتمام و حساسیت خاصی نسبت به تشکیل این جلسه نشان دادم. خصوصاً این که انتظار می رود که در نشریه برداشت دوم، طرح صحیحی از صورت مسأله جمعیت صورت پذیرد و مباحث برای اهل نظر شکافته شود و درک صحیح و برداشت مناسبی از این مسأله برای مخاطبان ایجاد شود. خصوصاً با پیشینه ای که در زمینه این مسأله حساس هست و متأسفانه سیاست گذاری ها و اقدامات غلطی که صورت گرفته و کلاس های تنظیم خانواده که همراه با افتضاحات زیادی بوده و مسائلی از آن به گوش من رسیده که شأن جلسه طرح آنها نیست.

اما پس از طرح مسأله جمعیت به عنوان موضوع نشریه، ما مواردی را که خیلی سریع و ابتدا به ساکن به ذهنمان رسید و گفتیم مناسب است که در نشریه برداشت دوم و در راستای سیاست های دولت در مقالات و میزگرد به آن پرداخته شود و در مورد مسأله جمعیت مطرح شود را فهرست کردیم. البته شما به این مسائل اشراف دارید ولی ما هم اشاره ای می کنیم که ابعاد مسأله را بهتر بشکافد. مسأله جمعیت یک مسأله بسیار چالشی است که شاید ما یکی دو دهه خیلی جدی دنبال تحدید جمعیت بودیم ولی بسیاری از محورها به شدت جای بحث دارند. این محورها و سرفصل ها عبارتند از:

بحث اصل جمعیت و رشد؛ که ما چه رشدی را مطلوب می دانیم برای جمعیت و این تناسب رشد با امکانات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی ما چگونه است؟ برنامه های آتی و چشم انداز جمهوری اسلامی ایران با چه رشدی تناسب دارد. البته خود امکانات هم نیاز به تحلیل دارد و شاید نشود فقط با یک عدد و رقم ساده، تصمیم گیری کرد.

مورد دوم، مسأله توزیع متناسب جمعیت است. توزیع متناسب و مطلوب جغرافیایی، استانی، منطقه ای، ترکیب و غیره چگونه باید باشد. باید ببینیم که توزیع مطلوب چگونه است و توزیع فعلی چگونه است و راهکارهای حرکت به سمت توزیع مطلوب چگونه باید باشد و اهداف اصلاح توزیع چه باید باشد و سیاست ها و ابزارهای ما چه باید باشد و نقشه ها و برنامه های اجرایی ما چه باید باشد و بعد خوب، تهدیدها و فرصت های توزیع فعلی چگونه است. و نوع تهدیدهای ما چه نوعی است امنیتی است، سیاستی است، اجرایی است و فرصت های ما چگونه است و چه راهکارهایی برای تبدیل این تهدیدها به فرصت ها داریم.

این موضوعی است که هم اصل آن نیاز به بحث دارد و هم نیاز به آمارها و عدد و رقم هایی داریم که بتواند وضع موجود و وضع مطلوب را برای ما بشکافد.

مسأله بعدی مسأله هرم سنی جمعیت است. این که هرم سنی جمعیت از اول انقلاب تا کنون چه بوده و پیش بینی روندها چگونه است و تحولات و مسائل آن چه بوده و چه خواهد بود. چون این هرم سنی در هر حوزه ای تبعات خود را دارد. در حوزه اقتصاد، حوزه اجتماع، حوزه امنیت، و افق های بی شماری که ما باید نسبت به آن یک ایده درست و صحیح و قوی داشته باشیم.

و این هرم سنی یک وقت در کل است و یک وقت متناسب با طبقه بندی ها. این هرم جمعیتی در استان های ما چگونه است، در مرزهای ما، در مذاهب ما، در روند تولید مثل و ازدواج و طلاق و.. چگونه نقش بازی می کنند و پیش بینی های ما برای آینده چگونه است.

اینها مواردی بود که به ذهن ما رسیده و باید بررسی شود؛ البته بعضی مهمترند و بعضی در اولویت های بعدی.

سیاست های دولت ها چه بوده و چه باید باشد؟ خوب، دولت نهم با این بحث کار بسیار عظیمی کرد؛ در مناطق محروم، در روستاها، در بخش ها، در شهرهای کوچک. آن هم در زمینه های مختلف، در بخش عمرانی، تأسیسات عمرانی زیادی ساخت که این تأثیر زیادی بر بحث جمعیت داشت. هم روی قوانین و مقررات، هم روی پرداخت ها و هم روی سیاست های دیگری که من شاید حضور ذهن به جزئیات آن نداشته باشم اما به خاطر دارم که ما کارهای زیادی در این زمینه کردیم.

روند معکوس جمعیت مسأله دیگری است که در دولت نهم کلید زده شد و در دولت دهم سرعت بیشتری یافت.

مقوله حاشیه نشینی که در کلان شهرها و بسیاری از حومه ها با آنها مواجهیم، با مقوله جمعیت مرتبط است. این هم خودش یک معضل عظیمی است.

بنابراین بحث جمعیت، خودش فقط مطرح نیست؛ یک مسأله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی بسیار گسترده و پیچیده است که باید به همه جوانب آن به صورت جامع و صحیح نگاه کرد. *شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

مسأله ایست که می توان در عمق آن وارد شد، در سطح آن وارد شد؛ باید بررسی کرد که چه مواردی انجام شده و کدام یک نیاز به اطلاعات و کارهای دراز مدت دارد و نیازمند جمع آوری آمار و کار میدانی است.

این را هم باید توجه کنیم که ما شاید تنها کشوری در دنیا باشیم که با رویکرد انقلابی، در برابر تمام سلطه گران عالم موضع داریم و در مقابل آنها ایستادیم و حرف آنها را گوش نمی کنیم و تمام هم آنها فشار روی ما شده و علت آن هم اینست که می بینند تنها کشوری که به حرف آنها گوش نمی دهد ماییم. و در مقابل همه تهدیدهای آنها ایستاده ایم و کم نمی آوریم. حالا سیستم مطلوب برای جمعیت چنین کشوری چه باید

باشد؟ آیا سیستم‌های رایج و مطالب موجود در کتاب‌های متداول پاسخگوی اقتضائات سیاست‌گذاری برای چنین کشوری هست؟

نکته دوم این که ما کشوری هستیم که در موقعیت حساس و در کنار همسایگان حساسی قرار داریم. در کنار ما افغانستان هست، با مسأله مواد مخدر و آن سابقه تاریخی اش؛ عراق هست با آن سابقه تاریخی اش و بحث نفت؛ و عربستان در کنار خلیج فارس و استراتژیک بودن منطقه؛ در منطقه ای هستیم که خاورمیانه است با حساسیت‌های خودش؛ منطقه ای که پیامبرخیز بوده؛ و ما کشوری هستیم که شیعه هستیم. ما الگوی اسلامی و انقلابی و شیعی داریم و کشوری هستیم که دین حق و ناب محمدی (ص) را به دنیا ارائه می‌کنیم. کشوری که با اعتقاد مهدویت دارد اهدافش را جلو می‌برد. ما باید زمینه‌های ظهور را آماده کنیم و با گروه‌های شیعه جهان مرتبط باشیم. آیا الگوهای جمعیت برای یک کشور توسعه‌ای با پیام‌ها و آرمان‌های جهانی، از صندوقچه‌های اندیشمندان غربی باید بیرون بیاید و آیا حرف‌های آنها باید برای ما ملاک باشد و این ویژگی‌های منحصر به فرد دینی، مردم‌آگاه و هوشیار، تمدن دو هزار ساله و همه‌مسائلی که محیط است بر ما، باید در نظر گرفته شود؛ و یک بحث نظری صرف و بدون در نظر گرفتن این واقعیات، هیچ مشکلی را از ما نمی‌تواند حل کند.

متأسفانه این وضعی است که بر ما حاکم بوده؛ بر اقتصاد ما، بر بحث کلاس‌های تنظیم خانواده با آن وضع افترضاح، بوده و آن کسانی که این سیاست‌ها را دنبال کردند باید جوابگو باشند که چرا برای این کشور چنین تمهیداتی اندیشیده‌اند و کو آن داعیه سیاست‌های جمعیتی که داشته‌اند با تناسب‌های واقعی که در کشور ما داشته‌ایم؟

محور صحبت‌های دکتر داوودی:

اهمیت طرح صحیح صورت مسأله جمعیت و نگرش درست نسبت به آن

اشاره به سیاست‌گذاری‌ها و اقدام‌های غلط گذشته خصوصاً کلاس‌های تنظیم خانواده

طرح محورهای حائز اهمیت در حوزه سیاست‌گذاری جمعیت

اصل جمعیت و رشد مطلوب آن برای شرایط موجود نظام جمهوری اسلامی و تحلیل‌های متناسب

با آن

توزیع متناسب جمعیت؛ شناخت وضع موجود و وضع مطلوب، و راهکارهای سیاستی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب

هرم سنی جمعیت در نگاه کلان کشوری و در نگاههای خرد و منطقه ای؛ و بررسی لوازم و نیازهای هر یک

سیاست های دولت های گذشته و سیاست دولت نهم و دهم در مقوله جمعیت.

روند معکوس جمعیت که در دولت نهم کلید زده شد و در دولت دهم سرعت بیشتری یافت

مقوله حاشیه نشینی و مسائل حومه کلان شهرها

ما تنها کشور انقلابی در دنیا هستیم که در برابر همه سلطه گران ایستاده ایم و تمام هم آنها هم

مقابله با ماست. حالا سیستم مطلوب برای جمعیت چنین کشوری چه باید باشد؟ آیا سیستم های

رایج و مطالب موجود در کتاب های متداول پاسخگوی اقتضائات سیاست گذاری برای چنین

کشوری هست؟

ویژگی های منحصر به فرد دینی، مردم آگاه و هوشیار، تمدن دو هزار ساله و همه مسائلی که

محیط است برما، باید در نظر گرفته شود؛ و یک بحث تئوریک صرف و بدون در نظر گرفتن این

واقعیات، هیچ مشکلی را از ما نمی تواند حل کند.

آیا الگوهای جمعیت برای یک کشور توسعه ای با پیام ها و آرمان های جهانی، از صندوقچه های

اندیشمندان غربی باید بیرون بیاید و آیا حرف های آنها باید برای ما ملاک باشد؟

آن کسانی که سیاست های غربی را بدون تناسب با واقعیت های کشور ما دنبال کردند، باید

جوابگو باشند که چرا برای این کشور چنین تمهیداتی اندیشیده اند و کو آن داعیه سیاست های

جمعیتی که داشته اند؟

آقای حسینی (دبیر جلسه):

من به عنوان دبیر جلسه می خواهم حضور حداقلی داشته باشم و با توجه به این که در

خدمت پنج استاد هستیم، طبعاً باید خواهش کنیم که هریک از استادان، سریع و صریح،

اصل و عصاره نگاه ها و تذکرات و تأملات خود را مطرح کنند. در عین حال چون

رویکرد به سمت سیاست گذاری است، هفت گام سیاست گذاری را باید مدنظر داشته

باشیم و حداقل گام های اولیه آن که نظری ترند را در این جلسه به اختصار مدنظر داشته باشیم. هفت گام طرح مسأله عبارتند از: رصد، طرح صحیح صورت مسأله، بررسی راهکارهای موجود، انتخاب راهکار مطلوب، بسترسازی و تأمین لوازم، اجرا و نهایتاً ارزیابی. از همین رو من می خواستم در مورد مسأله به شدت جدی و راهبردی جمعیت، از استادان خواهش کنم از منظر خودشان، «نحوه طرح مسأله جمعیت» را عرضه کنند؛ یعنی با این فرض که در مقام رصد به حساسیت و ضرورت قطعی مقوله جمعیت پی برده ایم، حالا باید به دنبال این باشیم که بتوانیم این مقوله وسیع را با یک طرح مسأله صحیح، هدایت کنیم. این که مقوله جمعیت را در قالب چه نوعی از طرح مسأله مطرح کنیم، خودش اولین ضرورت و ظرافت است که استادان با توجه به تنوع تخصص ها و تعدد منظرهایشان می توانند آنرا مطرح کنند. پس سؤال اول من از استادان «نحوه طرح مسأله جمعیت و یا زاویه دید ورود به مقوله جمعیت» است که خواهش می کنم به اختصار و صراحت بیان شود.

محور صحبت های آقای حسینی:

هفت گام اساسی سیاست گذاری عبارتند از:

رصد

طرح صحیح صورت مسأله

بررسی راهکارهای موجود

انتخاب راهکار مطلوب

بسترسازی و تأمین لوازم

اجرا

ارزیابی

حال با این فرض که در مقام رصد به حساسیت و ضرورت قطعی مقوله جمعیت پی برده ایم، حالا باید به دنبال این باشیم که بتوانیم این مقوله وسیع را با یک طرح مسأله صحیح، هدایت کنیم. پس سؤال اول، «نحوه طرح مسأله جمعیت و یا زاویه دید ورود به مقوله جمعیت» است.



آقای دکتر محمودی:

من هم دغدغه ام به عنوان یک جمعیت شناس، همواره سیاست های دولت در مقوله جمعیت بوده است. این که این سیاست ها بر چه اساسی تغییر می کند و حتی با این فرض که این سیاست ها درست باشد، راهکارهای اجرایی آنها چگونه باید تدوین شود. این که چرا سال ها دولت های ما به شدت به دنبال تحدید موالید بودند و چرا وقتی دولت نهم به دنبال سیاست های توسعه ای رفت، خیلی از صداها در آمد و این که سیاست های توسعه ای را با چه راهکارهایی باید دنبال کرد.

ضرورت این نگاه و بررسی دقیق و عمیق علمی از مدت ها قبل برای من قطعی بود. اما برای اولین بار از اواخر سال ۱۳۸۸ در مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، این بحث به صورت علمی مطرح شد. حالا به عنوان یک معرفی کوتاه که بگویم ضرورت این بحث برای من اثبات شده بود و من نیازی به توجیه نداشتم باید بگویم که من هفده سال است که سردبیر فصلنامه علمی ترویجی جمعیت هستم. این فصلنامه وابسته به سازمان ثبت احوال است. هرچند حدود ده سال است که از سازمان ثبت احوال جدا شده ام اما بنا به دلایلی هنوز سردبیری آنرا به عهده دارم و با تمامی اعضای هیأت علمی آن که از استادان جمعیت هستند، ارتباط تنگاتنگی دارم. از این باب است که از سال ۷۲ که شروع کردیم، من نسبت به این قضیه توجیه بودم. ما در سال ۷۲ گفتیم که باید در سیاست های موجود تجدید نظر شود. چون سیاست هایی از سال ۶۸ شروع شده بود.

اما سؤال اینجاست که چرا این بلا تکلیفی ها و تغییر سیاست ها در حوزه جمعیت اتفاق افتاده است؟ به خاطر این که ما سیاست جامع جمعیتی نداشته ایم. ما یک زمانی از همه شقوق و جوانب سیاست های جمعیتی، رفتیم سراغ تحدید موالید! نه کاری به شغلش داشتیم، نه کاری به آموزشش داشتیم، نه کاری به مسکنش داشتیم؛ اینها را هر کدام سپردیم دست وزارتخانه خودش، آنها هم بخشی نگاه کردند و هر کس رفت دنبال کار خودش.

بعدها هم انگار بهداشت خودش را متولی این کار دید. و متأسفانه ما توی ایران برنامه داریم، ولی فکر می کنیم اگر از برنامه جلو بزنیم، موفقیم! از برنامه جلو زدن، خودش یک نوع نقض غرض است.

این که ما الان بخواهیم به سمت تشویق موالید هم برویم، شاید سیاست درستی نباشد؛

چون تشویق موالید هم جواب نخواهد داد. خطر هم همین جا است؛ چون به نظر من ما با یک اتوبوس داریم می رویم توی یک دره، و حتی ترمز هم نمی توانیم بگیریم! حالا چه کار باید بکنیم؟

ما در مقوله مطالعات جمعیت، نیاز به تقسیم کار علمی داریم و نباید متولی و متکفل همه کارها، یک جا بشود. نباید همه کارها در مرکز تحقیقات و یک دانشگاه خاص انجام شود.

محور صحبت های آقای دکتر محمودی:

باید بررسی کرد که آیا سیاست دولت (سیاست های توسعه ای و افزایشی) درست است یا نه؟ و اگر درست است، راهکار چگونه است؟

از آنجایی که ما سیاست جامع جمعیتی نداشته ایم، این بلا تکلیفی ها و تغییر سیاست ها در حوزه جمعیت اتفاق افتاده است.

جهت داشتن یک برنامه جامع پیش برویم.

این که ما الان بخواهیم به سمت تشویق موالید هم برویم، باید با رعایت همه جوانب اتفاق بیفتد.

آقای دکتر فیاض:

متأسفانه در کشورهایی مثل کشور ما، رویکرد طرح کلان دیده نمی شود. دانشگاههای ما اصلاً کلان نگر نیستند؛ خیلی خرد و دبستانی برخورد می کنند. یعنی همان آموزش، بدون پژوهش؛ وقتی که پژوهش نیست، کلان بینی نیست. و رویکرد علوم انسانی خیلی ضعیف و کوچک نگه داشته شده است. در بحث جمعیت شناسی هم کل مسأله جمعیت، تقلیل داده شد به یک «رویکرد تکنیکی تحدید موالید». و همین تمام شد؛ خیلی تقلیلی.

آنچه هم تحت عنوان سیاست جمعیتی گفته می شود، اصلاً سیاست نیست، یک برنامه ریزی است. کاملاً تقلیلی. در شاخص ها هم فقط شاخص های بودجه ریزی دولتی در نظر گرفته شده است و نه سیاست گذاری. چرا که سیاست گذاری، ربطی به ایدئولوژی دارد و به بحث های فلسفی کلان مربوط است. اما در برنامه ریزی، شاخص های مالی دادن به یک چیز، مهم است.

وقتی کلان بینی نباشد و پول مفت نفت هم باشد، همه چیز خیلی سریع، رنگ اقتصادی پیدا می کند. آن هم بحث های خرد بودجه اقتصادی که خودش باعث می شود که خیلی از چیزها دیده نشود.

یک بحث روز جهانی دیگر هم نوع انسان نگری است؛ این که آیا ما اصلاً حق داریم به انسان به عنوان یک مقوله کمی آماری فنی صرف، نگاه کنیم؟ یعنی چنین نگاهی انسانی است یا غیر انسانی؟ همه می گویند غیر انسانی است. ارتباطات جمعی، غیر ارتباطات انسانی است؛ حتی ضد انسانی است. هر چیزی که تولید انبوه پیدا کند و بعد اقتصادی پیدا کند، غیر انسانی می شود.

الآن همه شاخص های کلان علوم انسانی ما، تولید انبوه و مصرف انبوه شده است؛ لذا علوم انسانی ما، غیر انسانی است.

متأسفانه مبنای جمعیت شناسی هم اقتصادی شده است. آن هم غیر انسانی و حتی ضد انسانی. و اساساً هر وقت انسان را از برون نگاه کنیم و به چشم دیگری نگاهش کنیم و بعد هم شاخص های اقتصادی برایش مطرح کنیم، غیر انسانی خواهد شد.

مثلاً در آلمان برای آن که علوم انسانی شان، واقعاً انسانی شود، مبنای اقتصادشان را هم عوض کرده اند و مبنای اقتصادشان را اقتصاد خانواده گذاشته اند. ولی متأسفانه سرمایه داری آمریکایی، اینگونه نگاه نمی کند.

ایراد دیگر به این سبک طرح جمعیتی، اولویت دادن به برنامه دولت های ملی است؛ این که دولت های ملی را مبنای برنامه هایشان قرار داده اند. در حالی که در وضعیت امروزی، این ساختارها دارد باز شده و تغییر می کند. مثلاً با مقوله هایی مثل ازدواج های بین المللی، دولت ملی دارد از بین می رود و برنامه ریزی جمعیتی هم نمی تواند بر این مبنا جلو برود. این بحث، مرزها را هم در هم می ریزد و یک بحث امنیتی جدی هم در بر دارد.

پس من دو بحث داشتم: یکی این که به صورت تجربی نگاه کردن به انسان، انسان را می شکند و دیگر ارزش انسانی ندارد و تقریباً در دنیا همه دارند آنرا می شکنند و از آن عبور می کنند و تفکرات انتقادی دارد به شدت رشد می کند. دومی هم دولت ملی است که از نظر ساختاری دارد به هم می خورد.

پس ما باید کلان نگری کرده و دانشگاههایمان را بزرگ کنیم و به مؤسسات تحقیقاتی و بعد مؤسسات اجرایی سیاست های غربی ها در ایران، تبدیل نشویم.

محور صحبت های آقای دکتر فیاض:

مشکل مملکت ما، نبود رویکرد کلان نگری و تقلیل علوم انسانی است و مشکل رویکرد جمعیت شناسی، نگاه کمی صرف و تقلیل بحث. وقتی کلان بینی نباشد، سیاست گذاری به برنامه ریزی تقلیل می یابد. و در نتیجه دانشگاه های ما می شوند مؤسسات تحقیقی و اجرایی غرب. یک بحث روز جهانی، نوع انسان نگری است که ما اصلاً حق نداریم به انسان به عنوان یک مقوله تجربی کمی آماری فنی صرف، نگاه کنیم. این نگاه به انسان، غیر انسانی است. علاوه بر نوع انسان نگری غلط، برنامه های جمعیتی بر محور دولت های ملی استوار است؛ در صورتی که مفهوم و ساختار دولت های ملی به شدت و سرعت در حال تغییر است.

حجت الاسلام دکتر سعدی:

من هم به نوبه خودم از تشکر می کنم از عزیزان ولی خواهشم اینست که از فرصتم در انتهای جلسه استفاده کنم. چرا که ما یک وقت استنباط سیاست ها از شرع داریم که الآن هم رایج است، دولت دینی هم مدعی این شعارهاست و باید هم به این سمت حرکت کند، این یک آرزوست و باید هم همینگونه بشود که سیاست گذاری به مباحث فلسفی و ایدئولوژیک ما مرتبط باشد.

اما حداقل سیاست گذاری دینی، انطباق سیاست ها با احکام شرعی است؛ ولی در همین جا هم اگر نگاه به مسأله جامع نباشد، به نظر می رسد که نگاه دین هم ناقص مطرح و منعکس می شود.

به عنوان مثال در همین بحث جمعیت، بحث جدلی الطرفین است. از یک طرف شعار «اینی أباهی بکم الامم» را داریم؛ از این طرف هم داریم که «قله العیال، احد الیسارین». و جالب اینست که اولی از پیغمبر (ص) است و دومی از امیرالمؤمنین (ع). آن هم هر یک در زمان حکومت.

این فضایی که دوستان اشاره کردند، در صدر اسلام هم بوده است؛ یعنی یک فضای رقابتی با امپراتوری ایران و روم، اسلام داشته و توی فضایی قرار گرفته که این سیاست ها، بدون فهم آن زمینه ها خیلی کارا نباشد و نمی توان بدون درک آن، به سیاست کلان

شرعی رسید. امروزه هم برای رسیدن به راهکار عملیاتی برای سیاست گذاری کلان شرعی، به نظر می رسد راهکاری که شهید مطهری به خوبی آنرا فهم و پیشنهاد کرده بود، -که متأسفانه خیلی عملیاتی نشده- باید رعایت کنیم. ایشان بحث «اجتهاد لُجنه ای» را مطرح کردند. یعنی فقیه در دوران معاصر که مسأله به زوایا و ابعاد مختلفی مرتبط می شود، نمی تواند بدون در نظر گرفتن تمام جوانب مسأله، صرفاً سراغ متون فقهی برود و یک استنباط فقهی کند؛ خصوصاً در حوزه سیاست گذاری، با غفلت از این زمینه ها، خیلی نمی توان ورود شرعی و فقهی سیاست گذارانه داشت. لذا من تکمیل عرایضم را پس از صحبت عزیزان خواهم داشت.

محور صحبت های حجت الاسلام آقای دکتر سعدی:

نگاه حداکثری به سیاست گذاری دینی، استنباط سیاست ها به صورت ایجای و فعال از احکام شرعی است و این یک آرزوست که باید محقق شود؛ اما حداقل سیاست گذاری دینی، انطباق سیاست ها با احکام شرعی است؛ ولی در همین جا هم اگر نگاه به مسأله جامع نباشد، نگاه دین هم ناقص مطرح و منعکس می شود.

راهکار عملیاتی شهید مطهری برای سیاست گذاری کلان شرعی، بحث «اجتهاد لُجنه ای» بود. یعنی فقیه، خصوصاً در حوزه سیاست گذاری، نمی تواند بدون در نظر گرفتن تمام جوانب مسأله، صرفاً سراغ متون فقهی برود و با غفلت از زمینه ها، خیلی نمی توان ورود شرعی و فقهی سیاست گذارانه داشت.

آقای حسینی:

(پس از گزارش و جمع بندی جلسه و صحبت استادان تا این لحظه)، در رویکردی که در دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، نسبت به طرح مقوله جمعیت مطرح است، علوم متعدد و متنوعی را مرتبط، وابسته، هم بسته و یا پیرو مقوله جمعیت و مکمل علم جمعیت شناسی می دانیم. برخی این علوم که زوایای دید مختلفی داشته و هر یک با منظر خود به تکمیل و تعمیق و تدقیق بحث کمک می کنند، عبارتند از: مفهوم شناسی جمعیت، جامعه شناسی جمعیت، روان شناسی جمعیت، روندشناسی جمعیت، سیاست

گذاری جمعیت، مخاطب شناسی جمعیت، ریخت شناسی^۱ جمعیت، فرهنگ شناسی جمعیت، ارتباط شناسی جمعیت، جغرافیا شناسی جمعیت، تاریخ شناسی جمعیت، آینده پژوهی جمعیت، ارزش شناسی و ایدئولوژی جمعیت، بهداشت شناسی جمعیت، حقوق شناسی (قانون گذاری و جرم شناسی) جمعیت، آمارشناسی و مهندسی جمعیت، رسانه شناسی جمعیت، و....

حال اگر بخواهیم یک نگاه بومی و گزارش بسیار سریع از وضع موجود خود داشته باشیم، باید بگوییم که سیاست گذاری جمعیتی ما تا سال ۱۳۶۵، چندان شفاف و صریح نیست؛ اما اگر بخواهیم یک استنباط کلان داشته باشیم، می توانیم رویکرد تکثر مولید را به عنوان یک برنامه ضمنی شناسایی کنیم. آنجایی که حجم بالایی از آمار باروری در کشور ما، شش فرزند است و متوسط آن معادل ۴/۲۹ فرزند در خانواده است. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ که قریب به دو دهه است، راهبرد تقلیل و کاهش جمعیت و تحدید مولید مطرح می شود تا جایی که آمار متوسط ما به زیر ۲ فرزند در خانواده می رسد و به نظر می رسد که در فرایند و روندشناسی پس از انقلاب، ما از سال ۸۵ وارد مرحله سوم شدیم و به سمت تشویق توالد و تناسل رفتیم. این که در یک بازه ۳۰ ساله ما حداقل ۳ سیاست و یا راهبرد متفاوت را تجربه کرده ایم، اساساً با بحث سیاست گذاری در تعارض است؛ چرا که سیاست گذاری ذاتاً یک مقوله کلان است و در چنین مقیاسی، حداقل بازه زمانی مورد نیاز برای تحلیل، ۳۰ و یا حتی ۴۰ سال است.

محور صحبت های آقای حسینی:

سیاست گذاری جمعیتی یک فرایند علمی پیچیده است که با بیش از ۲۰ رویکرد تخصصی و بعضاً میان رشته ای بایستی با نگاه تلفیق و تجمیعی، به ثمر برسد. در رویکرد بعد از انقلاب ما سه مرحله برنامه جمعیتی را طی کرده ایم؛ مرحله اول بحث تکثر و گسترش و توسعه جمعیت است که تا سال ۶۵ به صورت تلویحی پیاده می شود؛ از سال ۱۳۶۵ تا ۸۵، سیاست تحدید مولید حاکم می شود و در مرحله سوم، سیاست تشویق توالد برای فرزندان جدید با رویکردهای تسهیلی مطرح می شود.

این طرح ها باید با بررسیهای عمیق و به صورت جامع باید دنبال شود.

آقای دکتر محمودی:

با توجه به این که قریب به اتفاق صحبت های آقای دکتر محمودی در میزگرد، مبتنی بر آمارهایی بود که در قالب اسلاید ارائه می شد و تحلیل آنها مکمل مباحث بود، و از آنجایی که این آمارها در قالب مقاله ای در همین فصلنامه تبیین و تشریح و تحلیل شده اند، لذا از تفصیل آنها در متن مشروح مباحث میزگرد صرف نظر کرده و علاقمندان را به مطالعه مقاله تحلیل آماری ایشان در همین نشریه دعوت می کنیم.

محور صحبت های آقای دکتر محمودی:

سه بعد سیاست گذاری جمعیت:

حجم و رشد مطلوب جمعیت

توزیع و تراکم مطلوب جمعیت (۲۶ درصد جمعیت ایران در ۶ کلان شهر)
بهبود ابعاد کیفی جمعیتی (عدم مطلوبیت افزایش جمعیت بدون بازده صرف)

روندشناسی سیاست گذاری های دولتی جمعیت (قبل و بعد از انقلاب)

آمارهای موجود کشوری

آستانه ورود ایران به دوران مابعدگذار و چالش های آن

آهنگ رشد جمعیت به سمت صفر دارد میل میکند.

سیاست تشویقی، اگر بر بستر فرهنگی و اجتماعی مبتنی باشد، کارساز و گرنه ناکارآمد است.
رویکرد مثبت به سمت افزایش جمعیت.

آقای دکتر داوودی:

من ضمن تشکر از بحث ها و آمارهای جالب آقای دکتر محمودی، می خواهم بگویم که اگر همین بحث های رایج نظری را کنار بگذاریم، آمار مطرح شده یک نتیجه بسیار بارز و شفاف عملی برای ما دارد و آن این که آمار و رقم های موجود تأیید می کند که ما به شدت با بحران روبرو هستیم و باید در راستای سیاست های تشویق جمعیتی اقدام کنیم. این که آمار و آهنگ رشد جمعیت ما چقدر باشد، ممکن است که اختلاف نظری داشته

باشیم اما اصل ضرورت افزایش آمار و آهنگ رشد، بدیهی است. در کنار این شاید سیاست‌ها و آهنگ متوسط ۳/۷ اوایل انقلاب خیلی به ما فشار آورد، ولی به هر حال همین جوان‌های ما هستند که این نوآوری‌ها، فنآوری‌ها و اختراعات را برای ما به ارمغان آورده‌اند. اختراع و ابتکار مال پیرها نیست، همین جوانانند که هسته‌ای، زیست، نانو، سلول‌های بنیادی، موفقیت‌های نظامی و... را به ارمغان آورده‌اند. وقتی که یک رویش و جامعه جوان داریم، قدرت هم داریم. الآن اگر آمریکا نمی‌تواند از پس ما بر بیاید برای اینست که ما یک جامعه جوان داریم. اگر ما یک طبقه سالخورده‌ای داشته باشیم که گیر مشکلاتش باشیم، به خصوص این که ساختارهای خانواده ما هم دارد روز به روز ضعیف‌تر می‌شود، ما با مشکل مواجه می‌شویم.

از طرف دیگر، ما چشم انداز ۱۴۰۴ را داریم. چشم انداز بیست ساله، یک جمعیت حدود ۱۲۰ میلیون نیاز دارد. آن هم یک جمعیت جوان ۱۲۰ میلیونی و نه یک جمعیت سالخورده ۸۰ میلیونی. این قطعاً چشم انداز ۱۴۰۴ ما را با مشکل مواجه خواهد کرد.

این آمارها بسیار روشن‌گر بود و باید در همین نشریه برداشت دوم منتشر شود و توزیع شود و دست نمایندگان مجلس و مسئولین دولتی و حتی مردم توزیع شود تا متوجه خطر شوند و معلوم شود که ما الآن اصلاً بحث نظری نداریم. با یک بحث عملی قطعی و اساسی روبرو هستیم که با وضع موجود، جامعه ما و اهداف نظام و آینده جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند در خطر باشد. این باید رویش تأکید و بحث شود.

حالا بعد باید روی راهبردها کار شود که با چه راهبردی نتیجه بهتری می‌گیریم. دیدید که در زمان دولت اصلاحات، ما بیشترین افت جمعیت را داشتیم. آن چیزی که از زمان آقای هاشمی، بحث تحدید موالید شروع شد ولی دولت اصلاحات بیشترین کاهش را در رشد موالید ایجاد کرد. با آن سیاست‌های تحدید تنظیمی که ترویج کردند بین جوان‌ها و آن روحیه‌ای که از داخل و خارج تزریق کردند که ما باید تحدید موالید داشته باشیم. الآن ما با جوانانی مواجه هستیم که این ذهنیات منفی و غلط را دارند که باید اصلاح شود.

محور صحبت های آقای دکتر داوودی:

فارغ از مباحث نظری، قطعاً در مقام عمل ما بایستی به سمت سیاست های افزایش جمعیت حرکت کنیم.

اقتدار امروز ما مرهون جوانانی است که حاصل سیاست های توسعه جمعیتی اوایل انقلاب بوده اند. لازمه وصول به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴، داشتن یک جمعیت بزرگی از جوانان است که خود مبتکر باشند، و این به معنای سرمایه گذاری بیشتر برای داشتن جمعیت جوان بیشتر و کیفی تر است. ضرورت یک ترویج و تبلیغ جدی این آمارها و تغییر فضای سیاستگذاران و رویکرد عمومی برای درک خطر که اگر به دنبال افزایش جمعیت نباشیم، با مخاطرات جدی مواجه می شویم.

حجت الاسلام دکتر مصباحی مقدم:

ابتدا تشکر می کنم از برگزاری این نشست و این دعوت. سال ۱۳۶۶ من دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد تدریس می کردم و بچه های سازمان برنامه و بودجه که بورسیه های سازمان بودند، گفتند که از بخش جمعیت سازمان ملل وارد گفتگو با سازمان شده اند برای بحث تحدید جمعیت. من این اطلاعات را از دانشجویانم دریافت کردم. بعداً هم شاهد استفتاء از امام بودیم برای مهار جمعیت؛ خصوصاً در وزارت بهداشت و درمان کار تحقیقی وسیعی شروع شد؛ آن موقع آقای دکتر مرنندی وزیر بود و کارهای خیلی اساسی در این مورد انجام داد. آقا هم آن وقت رئیس جمهور بودند. ایشان هم مخالف بودند. من چند جلسه با ایشان صحبت کردم تا این که ایشان فرمودند من مخالفتم را دیگر اعلام نمی کنم. و همه موافق بودند.

یک کنفرانس در اصفهان برگزار شد و آقای مکارم مقاله ای داشتند که به صورت پیام در کنفرانس قرائت شد. پنجاه و هفت، هشت تا مقاله آمده بود و من هم مقاله داشتم. متن مقاله هست. آنجا من از در مخالفت با این شتابزدگی در تحدید جمعیت برآمدم. البته با استناد به آیات قرآن، ما استفاده کردیم که ما طرفدار عدم تحدید به این شکلیم.

نهایتاً گفتم این آماری که شما ارائه می کنید حکایت از این دارد که ما در حال حاضر با مشکل مواجهیم. چشم انداز آینده شما نشان می دهد که در آینده امکان تأمین مسکن، شغل و غیره را ندارید؛ پس به عنوان یک امر کوتاه مدت بپذیرید و نه یک راهبرد بلند

مدت. نگوید طبیعت خسیس است و نظریه خست طبیعت مالتوس را مطرح کنید و نگوید که کمبود آب داریم و... مقایسه ایران و ژاپن را کردم و نسبت جمعیت و فقر و خیلی از شبهات را پاسخ دادم.

یکی از مسائلی که من در آن تشکیک کردم، اختلاف آمار سال ۵۵ با ۶۵ بود. من استدلال کردم که سال ۵۵ حکومت پهلوی بود و مردم تمایل نداشتند اسرارشان را به حکومت منتقل کنند. مردم بنا نداشتند به آمارگران پاسخ دهند؛ شبهه‌هایی هم داشتند. از جمله این که فرزندان را برای سربازی می‌برند و اصولاً تعامل مثبتی با رژیم نداشتند. این را نمی‌شود مینا قرار داد. اما در دوران جمهوری اسلامی و آن هم در اوج محبوبیت نظام، و عشق و شور دوران جنگ، آمار خیلی درست تر بود. پس این آهنگ، مشکوک و غیرقابل استناد بود.

آن زمان به حرف ما گوش نکردند و تبلیغات غوغا؛ کل نظام هم بسیج شد و شد، آنچه شد.

دو عامل هست که در کشورهای اروپایی به صورت خودکار عمل کرده است: یکی رشد رفاه و دیگری رشد دانش؛ این دو مورد به صورت خودکار اثر گذاشته روی کاهش زاد و ولد. من ندیدم یک برنامه منظم و منسجم برای کاهش جمعیت در این کشورها اجرا شده باشد. خود این که خانواده از هم پاشیده آنجا، عامل هست و علت هست که رشد جمعیت کاهش پیدا کند و برود زیر صفر. آنها مسأله‌شان با ما متفاوت است.

الآن حرف من اینست که دوستان، از این طرف پشت بام نیفتیم. اگر می‌خواهیم نسبت به آینده جمعیت تدبیر کنیم و هدف‌گذاری کنیم، باید بیشتر مطالعه و پژوهش کنیم.

عزیزان حاضر در جلسه، زحمت کشیدند، آمار دادند، مطالعه کردند، دستشان درد نکند. اما من معتقدم که دو، سه تا دیگر از این کارها بشود. به این مطالعه اکتفا نشود. به جای یک تحقیق، چهارتا تحقیق داشته باشیم و از مجموعه بفهمیم ما چه باید بکنیم.

نکته دیگر این که در برخی از استان‌های کشور آهنگ رشد بالاست و آنها تشویق هم می‌کنند. حالا ما باید مواظب باشیم که راهی پیشنهاد نکنیم که باز هم برد اصلی را آنها بکنند و تشویق شوند و تازه آمارشان از این هم که هست بالاتر برود. باید در سیاست‌ها دقت کرد. ما باید به دنبال تحدید و موازنه و مدیریت جمعیت باشیم؛ یعنی اگر کلیت جمعیت کشور کم است، که هست، ولی ما در بعضی از استان‌ها نیاز به سیاست توسعه‌ای و

تشویقی نداریم و به عکس آنجاها را باید جور دیگر تحدید کنیم. این سیاست که یک میلیون تومان برای فرزند جدید بدهیم، در بعضی جاها بد است. آقای عبدالحمیدی که ۴۱ فرزند دارد، اگر چهل و دومی را بیاورد، آیا باید به او یک میلیون از بیت المال بدهیم؟ یا مناطقی که اصرار به ۴ همسر و از هر کدام حداقل ۶ فرزند است؟

در سیاست گذاری باید تفاوت ها مدنظر قرار گیرد و برنامه ها برای افراد و مناطق مختلف، متنوع باشد. ما خانواده هایی داریم که به واسطه سطح مالی و تحصیلات و شرایط فرهنگی چه بخواهیم و چه نخواهیم، به سمت جمعیت کمتر می روند؛ مشوق ها هم چندان تأثیری در آنها ندارد و الگوی زندگی شان را با مشوق های ما تنظیم نمی کنند. اصلاً به فرض هم که مشوق مؤثر باشد، چرا باید به خانواده میلیاردی، یک میلیون دیگر هم بدهیم؟!

من پیشنهادها و حرف های زیادی دارم. به عنوان مثال بگوییم می خواهیم در مناطق با رشد جمعیت کم یا پایین، تشویق بگذاریم؟ آیا تهران هم با این همه جمعیت، سیاست تشویقی لازم دارد؟ یا بگوییم برای فرزند دوم یا سوم، تشویق و امتیاز در نظر می گیریم. آیا خانواده ای که هشت فرزند دارد، برای نهمی هم باید یک میلیون بگیرد؟ بگوییم ما این حمایت را از خانواده هایی می کنیم که بر اساس پارامترهای سنجیده شده ما قرار دارند.

تازه یادمان باشد که این سیاست ها و تشویق ها و تبلیغات توی توده مردم اثر دارد و قشرهای خاص، سبک و مدل زندگی شان را با این سیاست ها و تبلیغات تغییر نمی دهند. الآن توجه داشته باشیم که از سال ۶۷، فقط ۲۲ سال گذشته و اینقدر نگران شده ایم؛ این حاصل یک کارشناسی ناقص است. همین نشان می دهد که این تغییر اولاً باید با مطالعات کافی باشد، و ثانیاً نمی تواند یکباره و مقطعی صورت پذیرد. تا دیروز همه چرخهای جامعه و تبلیغات به یک سمت می کشیدند، ما به یک باره از امروز می خواهیم مسیر این ریل را یکباره تغییر دهیم. سال ها فرهنگ سازی، نیاز به یک چرخش نرم و مبتنی بر یک مطالعه و حرکت آرام داریم. ما برای این چرخش نرم نه تنها مطالعات کلی بلکه باید برنامه ها را هم به صورت جامع مطالعه کنیم و پیامدهای جزئی برنامه هایمان را هم بدانیم. نه که سیاست را مطالعه کرده باشیم و برنامه ها سلیقه ای و ضربتی و ناکارآمد شود. اولویت تقویت ما باید در روستاها و مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) باشد.

محورهای صحبت حجت الاسلام آقای دکتر مصباحی مقدم:

مسأله ما با غرب، به صورت ساختاری، متفاوت است.

آمار موجود در سال ۱۳۵۵، بنا به دلایل متعددی مشکوک است.

سیاست تحدید موالید، می بایست یک سیاست مقطعی می بود. (مطالعات آن موقع، ناقص بود) دو عامل هست که در کشورهای اروپایی به صورت خودکار عمل کرده است: یکی رشد رفاه و دیگری رشد دانش.

اکنون هم باید با بررسیهای جامع به سمت افزایش رفت؛ ما باید مطالعات بیشتری انجام دهیم. نگاه ترکیبی به افزایش جمعیت (تراکم استانی، تراکم کمی، تفاوت توده ای و نخبگان...) و چرخش نرم.

در سیاست گذاری باید تفاوت ها مدنظر قرار گیرد و برنامه ها برای افراد و مناطق مختلف، متنوع باشد

جدای از سیاست کلی افزایش جمعیت راهکارها هم اهمیتی در همین سطح دارد.

دکتر فیاض:

مشکل باز هم به رویکرد تقلیلی جمعیت شناسی است. اصطلاح «دموگرافی» یا جمعیت شناسی در ایران بد ترجمه شده؛ شاخص های مردم معلوم است، اما ما فقط اقتصاد و آمار آنرا گرفتیم و بقیه را رها کردیم. جمعیت شناسان، دوستان صمیمی ما هستند ولی ای کاش جمعیت شناسی به ریشه و عمق و گستره کامل خود برگردد. تمام کارهایی که در حال حاضر صورت گرفته و هم شکایت دارن در خود جمعیت شناسان پایه گذاری کرده اند. متأسفانه مردم و انسان به معنای فرد، فرد افراد است. البته خود مردم شناسی هم ایرادهایی دارد و ما رشته خودمان را هم نقد می کنیم. جمعیت شناسی دو مبنا دارد: اقتصاد و زیست شناسی؛ به زبان دیگر، آمار و پزشکی.

ایرادها هم از همین جا سرچشمه می گیرد؛ جمعیت شناسان گفتند دو تا بچه کافی است و هزاران مصیبت اجتماعی به دنبال آمد. این که بگوییم دو تا بچه کافی است، کلی تبعات دارد. ما کلی بحث در علوم انسانی داریم. باید دولت کمک کند که علوم انسانی به جایگاه واقعی خودش برگردد و رشته های ما بتواند در علوم انسانی خلاقیت داشته باشد

و نوآوری و تولید به بار آورد. دانشگاه ما با ساختار کلانش، خیلی از جامعه عقب است. باید دانشگاه ساختارهایش کلان و کلی و اصلاح شود تا بتواند تولید مناسب داشته باشد. یک عامل جدی جمعیت، خانواده است و خانواده به خویشاوندی وابسته است. جمعیت بدون خانواده زیاد نمی شود و خانواده بدون خویشاوندی و خانواده بزرگ و خاله و عمه و دایی و عمو. الان ما باید برای اصلاح جمعیت روی خانواده و قبل از آن روی خویشاوندی بحث کنیم. ما دو سه نسل دیگر با بحران خویشاوندی در جامعه روبرو خواهیم بود.

مسأله دیگر این که وقتی خانواده ضعیف شود دو مشکل پیش می آید: یکی گسل از گذشته و دیگری جهش غیر اصیل، رو به آینده. یعنی گذشته به آینده متصل نمی شود. باید یادمان باشد که سنت خانواده را تأیید می کند و خانواده سنت را. شما توی جوان های ما می بینید که بی محابا دارند به سمت آینده می روند.

گسل یعنی اینکه وقتی شما سیستم نداشته باشی و از گذشته به آینده نروی، سنت را نمی بینی؛ سنت را که ندیدی، خویشاوندی را نمی بینی؛ آنرا که ندیدی خانواده را نمی بینی؛ خانواده نباشد، آینده نیست. و آنی می شود که ما تا حدی همین حالا هم گرفتارش شده ایم.

شاخص بعدی، شاخص عقلانیت ابزاری مدرن است که ضد خانواده است. این مسأله در زمان استالین هم مطرح شده و استالین گفته آدم برای یک نیاز جنسی که نمی رود خانواده تشکیل دهد. گفته است برای یک لیوان شیر که گاو نمی خرنند. نتیجه این شده که شرق روسیه الان به واسطه کمبود جمعیت با مشکلات امنیتی مواجه شده و الان از نظر امنیتی هم وحشت دارند. عقلانیتی که خانواده را دست و پاگیر می داند. این عقلانیت جوان را از آینده نگری و تشکیل خانواده باز می دارد و مشکل جمعیتی به بار می آورد. پول و خانه هم داشته باشد، ازدواج نمی کند. فرهنگ تجرد و حتی هم جنس بازی، از تبعات این عقلانیت ضد خانواده است.

شاخص بعدی نوع نگرش به شخصیت زن است. تصویری که از زن در صدا و سیما دارد نشان می دهد، خانوادگی است و یا ضد خانواده؟ حتی زن را صرفاً به عنوان زوج مطرح می کنند و نه مادر. جمعیت بدون نگاه صحیح به زن در خانواده و نقش اصیل مادری توسعه پیدا نمی کند.

شاخص بعدی نگاه جهانی به مسأله جمعیت است. التقاط نسلی و جمعیتی یک واقعیت حتی در کشور خود ماست. زن های اروپا در کشورهایی مثل رومانی دارند زیاد بچه دار می شوند. اما زن ما دیگر دنبال بچه دار شدن نمی رود.

محور صحبت های آقای دکتر فیاض:

جمعیت شناسی، علمی تقلیلی است که دو مبنا دارد: اقتصاد و زیست شناسی؛ به زبان دیگر، آمار و پزشکی. (پس بسیاری از پارامترها حذف می شود).

آهنگ رشد، چسبنده است و اگر جا افتاد به این راحتی تغییرپذیر نیست.

ما در بحث جمعیت نیازمند چند شاخصیم؛ شاخص هایی که اگر به آنها توجه نشود، به شاخص های آسیب زا و قابل تأمل تبدیل می شوند؛ چند تا از این شاخص ها عبارتند از: خانواده، خویشاوندی (خانواده بزرگ)، اتصال گذشته به آینده (حفظ سنت)، عقلانیت ابزاری مدرن، شاخص شخصیت زن، نگاه جهانی

شاخص خانواده: بدون خانواده، جمعیت بی معناست؛ در عین حال، هم خانواده سبب حفظ سنت و معنویت می شود و هم سنت و معنویت، سبب تحکیم خانواده.

شاخص خویشاوندی: خویشاوندی مهمتر از خانواده است؛ (خانواده بزرگ) اگر خویشاوندی از بین برود، جمعیت به سمت افول خواهد رفت.

شاخص پیشگیری از گسست نسلی (معنویت و سنت): سنت موید خانواده است و خانواده موید سنت؛ لذا برای پیشگیری از گسل گذشته به آینده، لازمه آن حفظ سنت، خانواده و... است.

شاخص عقلانیت ابزاری مدرن (ضد خانواده): عقلانیت ابزاری مدرن، ضد خانواده است.

شاخص شخصیت زن: نفی رویکرد مادری، نفی رویکرد زوجیت....

شاخص نگاه جهانی: ما باید مسأله را جهانی نگاه کنیم و نمی توان فارغ از آن الگوپردازی کرد.

دکتر داوودی:

بر اساس آمار ها و جداول آقای دکتر محمودی، شاخص رشد جمعیت در دهه اول انقلاب، ۳/۹۱ است. در ۶۵ تا ۷۵ که زمان دولت سازندگی است، می رسیم به ۱/۹۶ و دولت اصلاحات به ۱/۶۲. خود این آمار گویاست. این که جمعیت باید همه جانبه دیده

شود، درست. اما باید دید که این کلاه را چه کسی سر ما گذاشت؟ همان آمریکایی‌ها که طراحی کرده بودند، می‌دانستند با ۳۰ سال بعد ما چه می‌کنند. آنها سیاست تضعیف خانواده را بنیان نهاده‌اند. ما باید هشیار باشیم و بازی نخوریم. باید ریشه‌ها را پیدا کنیم. دکتر احمدی نژاد با ساختارهایی طرف است که به این راحتی‌ها نمی‌شود به آنها دست زد و هنوز هم این ساختارها دارد خیلی از کارها را جلو می‌برد. جریان‌ات فکری که هنوز هم مخالف اسلام و روحانیت است، خیلی از این برنامه‌ها را ریختند و مدت‌ها کشور را اداره کردند. ما باید ریشه‌ها را ببینیم و منصفانه قضاوت کنیم.

حجت الاسلام دکتر سعدی:

همانطور که آقای دکتر داوودی به درستی اشاره کردند، اگر مشکلاتی امروزه هست، ریشه‌اش در کتاب مبانی نظری است. پس یک حرکت اصولی هم نیازمند یک مبنای نظری دینی عمیق است. و نظرات وارداتی را نمی‌توان درست پذیرفت. در همین راستا من با دو روایت مشهور، نکاتم را جمع بندی می‌کنم؛

حدیث معروفی از رسول اکرم هست که دلالت بر گسترش جمعیت می‌کند که می‌فرماید نسل را افزایش دهید که «إني أباهي بكم الامم» من به شما اتمم مباهات می‌کنم؛ جالب است بدانید که حدیثی هم از علی (ع) داریم که فرمود: قله العیال احد الیسارین؛ یعنی امیرالمومنین کاهش عائله مندی و جمعیت را یکی از دو آسایش می‌داند. این حدیث هم دلالت بر کاهش جمعیت دارد. ایشان این شعار تحدیدی را می‌داده و سؤال هم ایجاد نکرد که این با آن حرف پیغمبر، تضاد دارد. سیاست پیامبر که توجه به تکثیر جمعیت بوده، در کنار آهنگ مرگ و میر، در آغاز حکومت اسلامی است. این مسأله با زمان امیرالمومنین متفاوت است.

نکته‌ای که حاج آقای مصباحی مقدم هم در جامعیت نگاهها مطرح کردند و چون جلسه امروز هم جلسه سیاست گذاری است اجازه بدهید عرض کنم که ما باید همه اینها را ببینیم؛ بحث ارتباط جمعیت با مباحث فرهنگی از جمله امار بزهکاری، پایین آمدن آهنگ امید به زندگی و... را هم باید نگاه کنیم.

باید ببینیم مسأله ما چیست و پس از تعریف صحیح صورت مسأله است که اصلاً باید ببینیم که آیا تکثیر جمعیت و تولید مثل، راهکار مسأله ماست یا نه. و اصلاً باید ببینیم

خود افزایش جمعیت، مولد مشکلات بعیدی نیست؟ یعنی باید کامل ببینیم تا ایران را تنها ببینیم؛ ایران با موقعیت بین المللی، با همسایه هایش، با سند چشم انداز. خوب دقت کنید که ما در سند چشم انداز داریم که «مردمی مؤمن»؛ اجازه بدهید من یک حدیث عرض کنم: «إن استطعت ان تكون لك ذریه تثقل الأرض بالتسیح». اگر بتوانی جمعیت را توسعه بدهی به سمت آن هدف نهایی، یعنی زمین را محل بسط و توسعه خداپرستی کنی. هدف ما گسترش کلمه توحید است نه افزایش و یا کاهش جمعیت و باید در سیاست گذاری ببینیم که این افزایش و کاهش، کدامش در راستای هدف کلان ما خواهد بود.

ما باید ببینیم که مسأله ما چیست؟ نسبت و تفکیک ادیان و یا حتی آمار سنی و شیعه، در سیاست گذاری به شدت مهم است. آیا دستور تکثیر جمعیت، به چه سمتی ما را جلو می برد. یعنی در کنار مسائل دیگر، باید بحث پیروان کمی و کیفی ادیان را هم در نظر گرفت. من به عنوان جمع بندی عرض می کنم که به نظرمی رسد سیاست کلان شرعی اینست که تحدید نسل، به عنوان یک راهبرد اساسی نیست. بحث تکثیر نسل شاید اولویت داشته باشد البته با شرایطی که عرض شد؛ با اعتلای کلمه توحید، این که تثقل الأرض بالتسیح؛ نه به هر قیمت و با هر شرایطی؛ اگر ما نتوانیم این هدف را تأمین کنیم، نباید به دنبال ازدیاد جمعیت باشیم. اگر ما بتوانیم امکانات مان را بسیج کنیم که انسان مؤمن، تربیت و تولید و تکثیر کنیم، سیاست کلان شرعی که اصل هم بر آنست، حرکت به سمت ازدیاد و توسعه نسل است؛ اما اگر نتوانیم به این هدف برسیم، قطعاً سیاست شرعی این است که جمعیت توسعه پیدا نکند که تازه مشکل مسکن و آموزش و هزار مشکل فرهنگی و اعتقادی دیگر هم اضافه شود. بحث موازنه بین معنویت و اعتقادات مردم با جمعیت، اصل است و در نگاه سیاست گذاری برای اتخاذ تصمیم مناسب، ضروری است.

محور صحبت های حجت الاسلام آقای دکتر سعدی:

لازمه تحول بنیادین، مبانی نظری عمیق و دقیق دینی است.

لازمه سیاست گذاری، جزیره ای عمل نکردن است. (آمارهای خلاف را هم ببینیم؛ رشد بزه کاری، طلاق،...)

آیا راه حل ما افزایش جمعیت است و یا خود این تبعاتی دارد؟ شاید راه حل جایگزین موجود باشد.

سیاست نبوی: افزایش جمعیت (انی اباهی بکم الامم)
 سیاست علوی: کاهش جمعیت (قله العیال، أحد الیسارین)
 نحوه جمع بندی: زمان حضرت رسول، مرگ و میر شرایط خاصی حاکم بود و ضرورت کثرت مؤمنین؛ در حالی که در زمان حضرت علی(ع)، شرایط متفاوت بود.
 در سیاست کلان شرعی: اصل بر افزایش نسل است؛ البته با رویکرد کیفی (انسان مومن هدف است و نه فقط افزایش نسل؛ پس اگر نتوانیم به کثرت مؤمنین برسیم، نمی توانیم به افزایش نسل، برسیم).

حجت الاسلام دکتر مصباحی مقدم:

ما باید دو راهکار اساسی را دنبال کنیم: یکی این که مطالعاتمان را افزایش دهیم و تسریع هم بکنیم و آنقدر دقیق عمل کنیم و حتی آینده را پیش بینی کنیم، تا به یک وفاق برسیم. دوم بیاییم و با جمیع ابعاد، به یک سیاست برسیم؛ این که تا ده سال دیگر، به کجا می خواهیم برسیم، تا بیست، سی، پنجاه و صد سال دیگر. بلند مدت فکر کنیم ولی مقاطع آنرا جامع ببینیم؛ آهنگ رشد جمعیت ناظر به امکانات مادی ما، توانایی های ما برای حل مشکلات جمعیت هدف گذاری شده و خصوصاً ابعاد معنوی و اعتقادی به انسان جمهوری اسلامی ایران، توزیع جغرافیایی و مذهبی و تربیتی جمعیت، توزیع تناسب با امکانات کشوری، و... در سیاستگذاری مهمند. اینها که مشخص شد، برنامه ها باز می شود. مثلاً اگر دست روحانیون در تبلیغ تکثیر جمعیت باز شود، بسیار بسیار مؤثر خواهد بود. مهم اینست که ما یک تحدید هوشمند داشته باشیم.

حجت الاسلام آقای دکتر مصباحی مقدم:

راهکارهای کلان دو گانه:
 تسریع افزایش مطالعات برای رسیدن به وفاق جمعی (مطالعات موجود کافی نیست)
 جامعیت سیاستگذاری
 ضرورت نگاه جامع آینده نگر (خصوصاً کیفیات و ایمان)
 هدف گذاری کلان دراز مدت
 در راستای مدیریت جمعیت، بایستی تحدید هوشمند داشت.

دکتر داوودی:

ببینید طبق آمار دوستان، اگر آهنگ رشد ما به ۲/۱ هم برسد جمعیت، ثابت خواهد ماند. این هم زینده نظام ما نخواهد بود. تازه الآن که آهنگ رشد ما ۱/۲۱ است. خود این قطعاً به ما نشان می دهد که باید به سمت سیاست توسعه ای حرکت کرده و روند موجود، اصلاً مطلوبیت ندارد. چون اگر سیاست های تشویقی نباشد، مشکل عمیق تر می شود. من نظرم بیش از ۲/۱ است اما حداقل آن، همین است.

با این حساب من سه نکته برای جمع بندی دارم:

اول: باید تحقیق ها و آمارهای دیگر را هم دید که آیا همین آمار را تأیید می کنند یا آمار آنها متفاوت است؛ و اگر هم آمارهای دیگر نداریم، آمار بگیریم تا مطمئن شویم به این اعداد و ارقام. دوم: حالا اگر فرض کنیم این آمار درست باشد، صرف نظر از هر نکته و ملاحظه، باید جلو این روند را بگیریم و قطعاً سیاست ما باید تشویق باشد و باید محدودیت هایی را که ایجاد کرده ایم، برداریم.

سوم: اگر بنا شد که این یک سیاست کلی باشد، دو سؤال داریم: چقدر و چگونه. اگر فرض کنیم سرچقدر هم تفاهم داریم، چگونگی محل بحث است که چگونگی همین سیاست هاست. مثلاً درس های تنظیم خانواده را برداریم، در جاهای مختلف سیاست های مختلف داشته باشیم و...

پس ما نیاز به تحدید نداریم، بلکه باید تشویق کنیم؛ حال چگونگی این افزایش نیازمند یک سیاست است. و باید در این سیاست، مسائل اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی و... در نظر گرفته شود.

محور صحبت های آقای دکتر داوودی (به عنوان جمع بندی جلسه):

باید تحقیق ها و آمارهای دیگر را دید و به قاطعیت آماری رسید.

با فرض صحت آمار، صرف نظر از هر نکته و ملاحظه، باید جلوی این روند را بگیریم و قطعاً سیاست ما باید تشویق باشد و باید محدودیت هایی را که ایجاد کرده ایم، برداریم.

با فرض سیاست افزایشی، دو پرسش داریم: چقدر افزایش دهیم و چگونه افزایش دهیم (چه راهکارهایی برای اجرای این سیاست در نظر می گیریم).

آقای حسینی:

با تشکر از همه استادان و عزیزانی که قبول زحمت کردند و به حمدالله در جلسه دیدگاههای متنوع و نکات قابل تأملی مطرح شد که امیدواریم در عرصه سیاست گذاری و برای اندیشمندان و مجریان، مفید واقع شود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

